



آن می‌نشانند و از آنها می‌پرسد چه حسی نسبت به مهاجرت دارید و اگر پیش از این مهاجرت کرده‌اید چه مشکلاتی داشتید؟

آدم‌ها از زن و مرد پشت این میکروفن نامرئی داستان مهاجرت خود یا علاقه‌مندی به مهاجرت یا حتی فکر کردن به مهاجرت را در چند دقیقه مطرح می‌کنند. صحبت‌ها ساده و ملموس است. /آنا

اما چه چیزی موجب شده تا این اثر در زمره فیلم‌های مستند قلمداد شود؟ موضوع از این قرار است که آدم‌هایی که از جنس صدایشان می‌توان فهمید برخی ایرانی هستند و برخی متولد ایران و بزرگ شده کشور دیگر و برخی در سودای زندگی در کشور دیگر می‌خواهند نظرشان را در مورد مهاجرت اعلام کنند.

گویی شمس یک میکروفن نامرئی تدارک دیده. آدم‌ها را پشت

اثر مونا شمس با عنوان ققنوس یکی از آثار کوتاه شانزدهمین دوره جشنواره سینما حقیقت است. این اثر در شکل متفاوتی بااستفاده از تصاویر نقاشی متحرک و الصاق صدای واقعی افراد تولید شده است.

شمس در این مستند قالب مرسوم کاشتن دوربین در یک لوکیشن و فیلمبرداری از واقعیت موجود را به هم زده و از ابتدا تصاویر نقاشی را به کار گرفته است.

### «ققنوس»؛ مصائب انتخاب یارِد مهاجرت

#### در گفت‌وگو با کارگردانان حاضر

#### در جشنواره سینماحقیقت بررسی شد

# تمرکززدایی؛ رمز روایت‌های نو

#### اطلاع‌رسانی درباره دغدغه‌های یک جغرافیا

حامد قاسمی، «پیرطاهر» را از دل جنگل‌های هیرکانی بیرون آورده و چالش‌های این همیار محیط‌زیست در حفاظت از حیات‌وحش منطقه را به تصویر کشیده، او نیز معتقد است: «خودم بچه منطقه هستم و دغدغه محیط‌زیست دارم و شخصا پیرطاهر را می‌شناسم.»

قاسمی که هوشمندانه داستان عشق مرال و نزار گوزن‌های تر در فصل جفت‌گیری را به تصویر کشیده، گفت: «سال‌هاست در این منطقه حضور دارم، حتی می‌دانم که گوزن‌ها چقدر زیاد شده‌اند، چیزی که بی‌شک هر مستندسازی از آن آگاه نیست.» این فیلمساز در مورد نقش مستند در حفظ فرهنگ یک منطقه و روایت‌های مختلف آن گفت: «قطعا یک مستندساز و یک فیلم خوب می‌تواند یک مسیر را عوض کند، یک دغدغه را نشان دهد، یک معضل را رفع کند و حال یک شهر را خوب کند

اما لازمه آن در مرحله اول شناخت از منطقه است. من که سال‌های عمرم را در منطقه خودم گذراندم و حتی می‌دانم چه حیواناتی کی و کجا در اینجا دیده می‌شوند، بی‌شک بهتر از مستندسازان دیگر می‌توانم دغدغه‌های شهرم را در قالب یک مستند اطلاع‌رسانی کنم.» وی افزود: نکته قابل‌تأمل‌تر این است که مستندسازان حرفه‌ای بومی، مجبورند از شهر و جغرافیای خود بروند. آنها برای ارتقای آموزش و سطح دانش و ... به تهران می‌آیند و می‌خواهند بهتر باشند و در همان جا دیگر کار می‌شوند. ای‌کاش هرکس در شهر خودش بماند و فیلم‌های مستند بسازد. خیلی کارهای خوبی می‌توانند بسازند.



#### ضعف در اجرا و قوت در محتوا

فاطمه مرزبانی، فرزند دیار گلستان است اما در سنینج زندگی می‌کند و مستند «دیوارهای مرزی» که در جشنواره سینماحقیقت امسال به نمایش درآمد را در سنینج ساخته است.

این فیلم روایتی از رنج حاصل از انفجار مین بر بازماندگان جنگ است. او که مستندسازی را در گلستان شروع کرده و پنج شش سال است که به کردستان نقل مکان کرده، درباره تفاوت‌های مستندسازی در گلستان با سنینج گفت: من با مردم گلستان بزرگ شدم، به لایه‌های زیرین و پنهان شهرم، داستان‌هایش، فولکلورها و رسومش اشراف دارم. اخلاق و رفتار مردمش را می‌شناسم و می‌دانم در هر منطقه‌ای به دنبال چه سوزه‌ای باشم اما در سنینج شش سال است تلاش می‌کنم تا بتوانم به مردم این استان نزدیک شوم. زبان‌شان را یاد بگیرم، آداب و رسوم‌شان را بشناسم و ... درحقیقت اعتمادسازی سخت است.

برای همین هم در این شش سال فقط توانستم یک مستند دلخواه کار کنم.



##### سینما حقیقت

### «آنجلینا»، یک روایت احساسی

رضا دانش‌پیژه، طراح و کارگردان مستند «آنجلینا» درباره این اثر گفت: مستند کوتاه آنجلینا درباره دختری است که در یک روستا زندگی می‌کند و در یک زمان پنج خواستگار همزمان دارد اما این مسئله و جریان‌هایی که سرخواستگارهای او رقم می‌خورد، لایه اول فیلم است.

من قصد داشتم به صورت نامحسوس درباره نوع نگاه و واکنش زنان میانسال یا سالخورده آن روستا در مواجهه با این مسئله بپردازم. نکته مورد توجه من هم بر سر حق انتخابی است که این دختر جوان برای انتخاب شریک زندگی خود در آن روستا دارد.

دانش‌پیژه درباره روند طی شده در تولید و پیش‌تولید این مستند کوتاه که در شهریور ۱۴۰۱ نسخه نهایی آن آماده شد، توضیح داد: این مستند در مناطق و روستاهای جنوبی شهرستان بویراحمد فیلمبرداری شده است و فاصله آن با مرکز استان که شهر یاسوج است، بسیار زیاد است و تولید «آنجلینا» در دو بازه زمانی پنج و هفت روزه انجام شد.



##### مستند

### مستندسازی از گربه پالاس برای اولین بار در شیرکوه نفت

مستندسازی از گربه پالاس در پناهگاه حیات وحش شیرکوه اولین بار انجام شد.

رئیس اداره محیط زیست شهرستان نفت با اعلام این خبر گفت: گربه پالاس، گونه‌ای ارزشمند و در پرتهگاه انقراض است.

او افزود: گربه پالاس به دلیل فرگشت یابودن و استتار بالایی که دارد، به‌سختی قابل مشاهده است ولی محیط‌بانان پناهگاه حیات‌وحش شیرکوه درحین گشت‌زنی این گربه زیبا و کمیاب را مشاهده کردند. شمسایی افزود: برای مستندسازی این گربه‌سان، با تلاش خیرگزاری صدا و سیما یزد برای اولین بار در کشور انجام شد.

رئیس اداره محیط زیست نفت اظهار داشت: حضور هرکدام از گونه‌های جانوری، نشان‌دهنده امنیت و سلامت آن زیستگاه است. پناهگاه حیات وحش شیرکوه در قلب بیابان‌های مرکزی ایران دارای غنای گونه‌های بسیار ارزشمندی است که تا امروز چهار گونه‌گربه‌سان کوچک‌جسه و گونه پلنگ ایرانی در آن به ثبت رسیده است.

گفتنی است گربه پالاس یک گربه سان وحشی در خطر انقراض و در لیست گونه‌های در خطر انقراض قرار دارد.



#### اشراف به سوزه و اقلیم

حدیث جان‌بزرگی از اهالی تهران است که در یک سفر جذاب به جنوب شرقی ایران، مستند «واهک» را از دل زندگی یکی از شخصیت‌های این منطقه بیرون کشیده است. او در این مستند داستان زنی از خطه بلوچستان را روایت می‌کند که با پشتوانه همسرش در راه بهبود و اصلاح جامعه محروم خود تلاش می‌کند. او درباره دغدغه‌اش در ساخت مستند واهک گفت: خیلی دوست داشتم درباره زنان روستایی که فعالیت‌آژگذار دارند کاری بسازم. یک‌بار از طریق دوستی به سیستم و بلوچستان دعوت شدم. در چهارافراد را دیدم و با آنها صحبت کردم و به مرور سوزه را انتخاب کردم. بی‌شک، ناآشنایی با منطقه، آداب و رسوم، زبان و حتی شیوه رفتاری، یکی از مشکلاتی است که این مستندساز با آن رویه‌رو بوده: «کار سختی است. یک مستندساز باید به سوزه‌اش اشراف داشته باشد و چون سوزه در اقلیم دیگری بود، مطمئنا عدم آشنایی با آداب و رسوم و زبان و گویش، برقراری ارتباط را برایش سخت کرد.»



فرود عوض‌پور، کارگردان مستند «کوهستان بی‌صدا» است که در شانزدهمین جشنواره حقیقت به نمایش درآمد. او که اهل خرم‌آباد است، مستندی از شخصیت‌های منطقه خود را از زاویه دوربین به مخاطب عرضه کرده. عوض‌پور درباره تاثیر رویکرد مستندسازان بومی به خلق آثار از اقلیم خود، گفت: «تاثیری که یک مستندساز بومی در روح می‌گذارد، قابل انکار نیست، چراکه بخش مهم ساخت یک مستند، شناخت است و اگر فیلمسازی بدون شناخت کاری را بسازد، مخاطب در ناخودآگاه اثرش تاثیر آن را خواهد دید.» او افزود: «تازمانی‌که یک مستندساز با آداب، فرهنگ، خرده‌فرهنگ‌ها و رسوم مردم یک منطقه آشنا نباشد، نمی‌تواند کار خوبی را بسازد، به‌همین دلیل هم مستندساز



## سینمای مستند

پنجشنبه ۲۴ آذر ۱۴۰۱ ۶۳۸۲ شماره

##### یادداشت

#### پدیده شوم تحریم خیالی

تحریم جشنواره‌ها محصول جهت‌دهی برخی کشورها و نفوذ سیاست‌های آنها بر افکار انگشت‌شمار هنرمند ایرانی است.

تحریم جشنواره «سینما حقیقت» هم به سال ۹۰ – ۸۹ از سوی جشنواره هلند (IDFA) معتبرین جشنواره مستند در جهان شروع شد و سرآغاز تحریم جشنواره از سوی چند مستندساز بی‌هنر در کشور بود. در واقع این پدیده شوم سوغاتی ناخوشایند بود که از فرنگ توسط چند نفر از ناهنرمندان به کشور رسید.

جالب است بدانیم تحریم جشنواره مستند حقیقت در آن سال‌ها به یک دلیل واهی یعنی پایینند نبودن جشنواره به قانون اکران فیلم‌ها، از سوی ایدفا اعلام شد. آنها با این اتهام بدون سند، در یک اقدام پیشداورانه، از همه فیلمسازی که فیلم‌های‌شان در جشنواره سینما حقیقت پذیرفته شده بود، درخواست کردند که فیلم خود را از جشنواره خارج و این رویداد را تحریم کنند.

اما دست‌اندرکاران جشنواره بلافاصله اسناد مربوط به حقوق اکران فیلم‌ها و پایبندی به این قوانین را به ایدفا ارسال و از آنها درخواست عذرخواهی رسمی کردند. آنها با وجودی که این اسناد را پذیرفتند اما در یک اقدام هوشمندانه و تحت تاثیر جریانات سیاسی عقب‌نشینی و عذرخواهی خود را با تعلل انجام دادند.

آنها با این حرکت تصور می‌کردند که می‌توانند جشنواره سینما حقیقت را تعطیل کنند اما شکر خدا، به کمک فیلمسازان ارزشمند و با به‌کارگیری طراحی جدید مجریان، این رویداد سینمایی در همان سال‌ها با شکوهی بهتر از همیشه برگزار شد.

با این وجود، ماحصل تاثیری که رفتار سوء ایدفا در اذهان جمع کوچکی از مستندسازان گذاشت، تحریم جشنواره فیلم کوتاه و مستند حقیقت بود که امسال هم رقم خورد. این اتفاق در حالی روی می‌داد که مسئولان سینما حقیقت در آستانه برگزاری، جشنواره را محل گفتمان محترمانه بین هنرمندان اعلام کردند. با وجود این همچنان تعدادی از هنرمندانی که معتقد به این نگاه نبودند و تعدادشان به انگشتان دست هم نمی‌رسید از شرکت دادن فیلم‌های خود در جشنواره خودداری کردند.

واقعیت تلخ این پدیده شوم که به تبعیت از سیاست‌های جشنواره‌های خارجی رخ می‌داد، بنده را به یاد وقایع سیاسی ـ تاریخی در دوره قاجار می‌اندازد. در آن دوره روشنفکران و منوالفکران زمانی که معترض دولت وقت می‌شدند برای تحصن و اعلام اعتراضات خود به سفارت انگلستان پناه می‌بردند... جل‌الخالق.

من فقط به این افراد که احساس می‌کنند با این شیوه می‌توانند بر جشنواره‌های ملی صدمه بزنند، چند نکته را می‌خواهم متذکر شوم:

به‌خاطر بیباوریم جشنواره کن بعد از غائله نمایش فیلم عنکبوت مقدس و فیلم برادران لیلی و رفتارهای نابخردانه بعضی سینماگران کم‌تجربه در برابر دوربین‌ها چه بازی‌هایی را با سینمای نجیب ما کرد. راه‌اندازی همه می-تو توسط نابازیگران زن مقیم اروپا بخشی از این توطئه‌هایی بود که در مسیر به انزوا کشاندن سینما محبوب ما رخ داد را به یاد آورید. فراموش نکند سینمای ایران در همه سطوح در دنیا بالاخص در کشورهای اسلامی به‌عنوان سینمایی نجیب پذیرفته است و این سینما تیری است برچسمان سینمای فاسد دنیا به‌خصوص سینمای هالیوود.

این سینما چون دُر گرانبهایی است در ستان تماشاگران دنیای اسلام.

کسانی که درجشنواره‌های جهان اسلام حضور داشتند این اتفاق را تایید می‌کنند. بیایید با اتفاق و اتحاد همدیگر این ویروس افتراق را که از جشنواره‌های دنیای غرب برمی‌خیزد به موقع نابود و دفن کنیم.

##### قاب



### «بخش زندگی ویژه» در سینما حقیقت

امروز در نمایش ویژه بین‌المللی مستند «بخش زندگی ویژه» اثر آدلا کومرزلی از جمهوری چک اکران می‌شود.

فیلم درباره پیشگامان مراقبت تسکینی در بیمارستان عمومی دانشگاه پراگ است، آنها در گفت‌وگوهای مصمیمی با بیماران خاص و معب‌العلاج، به دنبال پاسخ به سؤالاتی غیرمعارف در دنیای پزشکی مدرن هستند: آیا شما به ماوراءالطبیعه اعتقاد دارید؟ تا کی می‌خواهید در این دنیا بمانید؟ چه درمانی برای شما مناسب‌تر است؟ هر بیمار به این سؤالات پاسخ متفاوتی می‌دهد، درست مانند این سؤال: «زندگی خوب چیست؟»